سرمایه گذاری مستقیم خارجی . سرمایه گذاری آسیائیها در آفریقای جنوبی

این‏طور به نظر می‏رسد که تقریبا تمام کشورها و صنایع‏ از جریان سرمایه و مشاغل در فراسوی مرزهای ملی سود می‏برند.اخیرا طرف سازمان ملل گزارشی تحت عنوان‏ "سرمایه‏گذاری جهانی‏"در همین رابطه منتشر شده است‏ که در زیر چکیده‏ای از آن‏را می‏خوانید.

در نگاه اول،روند جهانی همچنین با سرعت زیاد ادامه‏ دارد.جریان سرمایه‏گذاری مستقیم خارجی بین سالهای‏ 1994 و 1995 با 318 میلیارد دلار حدود 40 درصد افزایش‏ نشان می‏دهد.ولی بخش چشمگیری از این سرمایه‏گذاری‏ فرامرزی توسط شرکتهایی از چند کشور در گسترهء کوچکی‏ از صنایع انجام شده است.

تمام یکصد شرکت بزرگ چند ملیتی،که با توجه به میزان‏ دارائیهای خارجیشان در مقایسه با دارائیها داخلی‏ درجه‏بندی شده‏اند،در کشورهای ثروتمند قرار داشته‏اند. اگرچه ژاپنیها با داشتن شرکتهای تولیدکننده وسایل‏ الکترونیکی و بویژه خرید شرکتها در آمریکا و ایجاد کارخانه‏های جدید در آسیا سهم خود را از 11 شرکت در سال‏ 1990 به 19 شرکت در سال 1994 افزایش داده‏اند،ولی از میان یکصد شرکت مذبور،30 شرکت متعلق به‏ آمریکاست.کره‏ایها نیز گرچه هنوز در ردیف یکصد شرکت‏ بزرگ دنیا قرار ندارند،ولی به سرعت به شکل شرکتهای‏ چندملیتی قوی تبدیل می‏شوند.برای مثال،تنها شرکت‏ کره‏ای سامسونگ 11 کارخانه در 4 کشور اروپائی دارد.

با این حال،الگوی سرمایه‏گذاری کرهء جنوبی معرف یک‏ روند رایج است بخش چشمگیری از سرمایه‏گذاری‏ شرکتهای چندملیتی،به جای کشورهای فقیر، در کشورهای ثروتمند انجام می‏شود.در سال گذشتهء میلادی(1995)،آمریکا،انگلستان،فرانسه و استرالیا جزو بزرگترین دریافت‏کنندگان سرمایه‏گذاری مستقیم خارجی‏ بودند.و در این میان،آمریکا با جذب 60 میلیارد دلار در ردیف اول و انگلستان با نصف این مبلغ در ردهء دوم قرار داشت.این ارقام با توجه به ادغام و خرید شرکتها در آمریکا و اروپای غربی؛بویژه در زمینهء مخابرات،خدمات مالی، داروسازی و توزیع انرژی؛رو به افزایش گذاشت.

اما در مورد سرمایه‏گذاری کشورهای ثروتمند در کشورهای‏ نوپای جهان باید گفت که این کار به صورت برگزیده‏ و انتخاب انجام می‏شود.برای مثال،اگرچه برخی از صنایع‏ آمریکای لاتین(مانند خودروسازی در مکزیک و برزیل، منابع طبیعی در شیلی)مورد توجه سرمایه‏گذاران خارجی‏ بوده،ولی جریانهای سرمایه‏ای بسیار ناموزون صورت‏ گرفته است.جریان سرمایه‏گذاری مستقیم خارجی‏ در آفریقا نیز احتمالا در طول دههء گذشته دو برابر شده،ولی‏ نسبت به سرمایه‏گذاری در آسیا بسیار کمتر است. همانگونه که سازمان ملل اشاره می‏کند،وسعت پویایی، کشورهای آسیایی،بویژه چین،باعث شده است‏ تا شرکتهای چندملیتی تمام کشورها از بازاریابی رو به‏ روشد آنها استفاده کنند و فرصتهای موجود در آنها را برای‏ تولید مورد بهره‏برداری قرار دهند.آمریکا و آسیا جایی است‏ که در نیمهء دوم دههء 1990 پولها به آنجا سرازیر خواهد شد.

مأخذ:اکونومیست،سپتامبر 1996

سرمایه‏گذاری آسیائیها در آفریقای جنوبی

در سال 1993،یعنی زمانی‏که نلسون ماندلا خواستار پایان یافتن مجازاتها بر ضد آفریقای جنوبی شد،بسیاری‏ از ناظران انتظار داشتند که شرکتهای آمریکایی و اروپایی‏ برای سرمایه‏گذاری مجدد به این کشور هجوم بیاورند. برخی از آنها مانند پپسی کولا و فورد در واقع همین کار را کردند منتها با احتیاط.امسال،بیشترین اشتیاق برای‏ سرمایه‏گذاری در آفریقای جنوبی از جانب کشورهای‏ ثروتمند نبوده است بلکه آسیای جنوب شرقی این حرکت‏ را انجام داده است.

بزرگترین سرمایه‏گذاری پس از دوره آپارتاید در آفریقای جنوبی توسط شرکت نفت دولتی مالزیایی‏ "پتروناس‏"در ژوئن انجام شد.این شرکت 30 درصد از سهام‏"شرکت بازاریابی و پالایش نفت انجن‏"را به مبلغ‏ 9/1 میلیارد رند1(436 میلیون دلار)خریداری کرد.یکی‏ دیگر از شرکتهای بزرگ مالزی به نام‏"لندمارکس‏ برهارد"سرمایه‏گذاریهای خود را در زمینه بانکداری‏ و املاک در آفریقای جنوبی به یک شرکت دیگر مالزیایی با نام‏"ابو حسن‏"واگذار کرد.از طرف دیگر،ابو حسن به تازگی‏ 51 درصد از سهام یک بانک کوچک آفریقای جنوبی به نام‏ "نیوریپابلیک بانک‏"را خریده بود.سایر سرمایه‏گذاران‏ مالزیایی نیز سرمایه‏های خود را در بخشهای منابع طبیعی، بانکداری،املاک و گردشگری در آفریقای جنوبی به کار انداخته‏اند.

مالزیائیها تنها کشورهای جنوبشرقی آسیا نیستند که به‏ آفریقای جنوبی چشم دوخته‏اند.هم اینک یک گروه‏ سنگاپوری به نام‏"بیوسوپریم دیولوپمنت‏"سرگرم احداث‏ یک هتل در پرتوریا با هزینه 250 میلیون رند است.شرکت‏ کره‏ای سامسونگ نیز در سال گذشته با شرکت‏"اترون‏" از آفریقای جنوبی برای ساخت تلویزیون یک‏ سرمایه‏گذاری مشترک تشکیل داد.در بوتساوانا،همسایه‏ آفریقای جنوبی،که نیروی کار ارزان و شرایط مناسب‏تری‏ از لحاظ اعتصابها دارد،شرکت کره‏ای هیوندای سرگرم‏ احداث یک کارخانه جدید مونتاژ خودرو برای بازار آفریقای‏ جنوبی است.

با این حال،مالزیائیها با حدود 5/3 میلیارد رند سرمایه‏گذاری مستقیم خارجی در سال جاری ظاهرا در بالای فهرست قرار دارند.براساس گزارش شرکت پژوهش‏ محلی‏"بیزینس مپ‏"،مجموع سرمایه‏گذاری مستقیم در سال 1995 در آفریقای جنوبی به 9 میلیارد رند رسید.

این همه اشتیاق از طرف مالزیائیها برای چیست؟یک‏ دلیل آن ثروت منابع طبیعی این کشور است.برای مثال، شرکت مالزیایی‏"میکوم برهارد"5/64 درصد از سهام یک‏ شرکت تولید گرانیت در آفریقای جنوبی را خریده است. این کشور از جهت دیگر به عنوان دروازه‏ای برای ورود به‏ سایر کشورهای آفریقایی محسوب می‏شود.مثلا،قرارداد شرکت پتروناس با انجمن نه تنها موجب دسترسی این‏ شرکت به پالایش نفت و توزیع آن در آفریقای جنوبی‏ می‏شود،بلکه می‏تواند در سرتاسر آفریقا نیز به اکتشاف‏ بپردازد،زیرا انجمن 60 درصد از سهام شرکت اکتشاف‏ دورن قاره‏ای‏"انرژی آفریکا"را در اختیار دارد.

دلیل دیگر آن اینست که شرکتهای ثروتمند مالزیایی‏ تخصص خود را در زمینه‏های املاک وزیرساختار،که در کشورشان آموخته‏اند،به آفریقای جنوبی صادر می‏کنند. شرکت املاک‏"سامراند"که در کنترل ابو حسن می‏باشد سرگرم آماده‏سازی 700 هکتار از اراضی میان‏ ژوهانسبورگ و پرتوریا برای استقرار صنایع سبک، دفاتر کار،اماکن مسکونی،زمین گلف و مراکز تجاری است. یکی دیگر از شرکتهای مالزیایی به نام رینونگ برهارد، سرگرم توسعه یک محوطه مشرق به بندر دوربان با هزینه‏ 120 میلیارد رند است.این شرکت انتظار دارد که هزینه‏ پروژه مذبور به 3 میلیارد رند برسد.شرکت مالزیایی‏ "بیزینس فاکوس‏"نیز در حال احداث هتل هیلتون در ژوهانسبورگ با هزینه 260 میلیون رند است.

در این میان مناسبات سیاسی نیز بی‏تأثیر نبوده است. ماهاتیر محمد،نخست‏وزیر مالزی،بازرگانان و سرمایه‏ گذاران این کشور را تشویق می‏کند تا فرصتهای‏ جدید تجاری را در کشورهای جنوب قاره آفریقا جستجو کنند.وی در سال گذشته،پس از بازدید نلسون ماندلا از مالزی،برای بازدید به آفریقای جنوبی رفت.

ولی احتمالا مهمترین دلیل اینست که مالزیائیها مخاطره را در آفریقای جنوبی بسیار بهتر از سایر سرمایه‏گذاران می‏پذیرند.بیشتر اقتصاددانان غربی‏ انتظار ندارند که تولید ناخالص داخلی آفریقای جنوبی در کوتاه‏مدت سالانه بیش از 5/3 درصد رشد داشته باشد. در حالی‏که،دالبیرسینگ،مدیر توسعه بازرگانی شرکت‏ پتروناس،بر این باور است که رشد تولید ناخالص داخلی‏ می‏تواند سالانه به 7 تا 8 درصد برسد،و این رقمی است که‏ حتی برای خوشبین‏ترین افراد آفریقای جنوبی نیز قابل‏ تصور نیست.

استدلال مالزیائیها برمبنای تجربه‏شان استوار است. افریقای جنوبی،مانند مالزی در یک دهه پیش،از توزیع‏ درآمد بسیار ناعادلانه،اقوام گوناگون،و سیاست نامطمئن‏ برخوردار بود،به طوری‏که تحلیلگران از این بیم داشتند که‏ عوامل فوق مانع رشد آن شود.ولی ویژگیهای مشابه در مالزی رشد این کشور را متوقف نکرده در واقع،رشد تولید ناخالص داخلی در سال گذشته به 5/9 درصد رسید و این‏ نرخ در کنار طرح بلند پروازانه این کشور برای بهبود وضع‏ گروههای قومی محروم به وجود آمد.سیاهان آفریقای‏ جنوبی نیز می‏خواهند که همین طرح را تقلید کنند. ابو حسن می‏گوید"بیشتر کشورهای توسعه‏یافته میل دارند قبل از سرمایه‏گذاری شاهد پیشرفت و شکوفایی آفریقای‏ جنوبی باشند،ولی آماده پذیرش خطر هستیم."

پی‏نوشت

(1)-واحد پول آفریقای جنوبی Rand -1

از مجله اکونومیست:اوت 1996